

گیاه‌شگفت

«خون سیاوشان»

فاطمه برادران

کارشناس ارشد زبان دبیر دبیرستان‌های کاشان

به دلیل دارا بودن خصوصیات اخلاقی مثبت از جمله شرم و آزرمی شایسته و خاص^۱، در میان شاهان و شاهزادگان نماد شده است، چه در اسطوره و چه در پارسی‌نامه فردوسی، شاهنامه، ویژگی‌هایی بی‌بدیل و معجزه‌گون دارد.

از میان این خصوصیات ممتاز می‌توان به بنای شهر شگفت سیاوش گرد یا گنگ‌دژ^۲، در اختیار داشتن اسب سخن‌گویی چون شبرنگ بهزاد^۳، که طبق وصیت سیاوش تنها باید از کی خسرو^۴ فرمان ببرد، و بالاخره گیاه خون سیاوشان، که در پی جاری شدن خون به ناحق ریخته‌ی وی بر زمین روید، اشاره کرد.

از میان امتیازات یاد شده، گیاه خون سیاوشان در ادبیات و اشارات ادبی و نیز در اسطوره و طب دارای کاربرد و ارزش است. این گیاه علاوه بر شاداب‌سازی جسم و کارایی درمانی، گیاهی شگفت و فراسویی است که با رویش معجزه‌آسای خود نام و یاد مظلوم‌ترین شاهزاده ایرانی را در اذهان ماندگار ساخته است. بنابراین، شایسته است این گیاه از جنبه‌های ادبی و اسطوره‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

مقاله «گیاه شگفت خون سیاوشان» که در بردارنده مطالب مختلف ادبی، اساطیری و طبی درباره این گیاه است، عمدتاً از مطالب پراکنده‌ای فراهم شده که در پاورقی‌های شروح شاهنامه، کتب اسطوره‌پژوهی و شروح دیوان‌های شاعران نام برده در متن آمده است. محتوای این مقاله با توجه به نوع مطالب گردآمده در آن تازه

چکیده

شاهنامه پر از شگفتی‌هاست و این بزرگ‌ترین ویژگی حماسه است. علاوه بر وجود مردان نمادین، گیاهان، اشیا و حیوانات نیز شگفت و فراسویی جلوه می‌کنند. یکی از این گیاهان، گیاه خون سیاوشان است.

خون سیاوشان (دم‌الاخوین) تنها یک گیاه نیست؛ نماد جاودانگی خون شهید است که سال‌ها و بلکه قرن‌هاست از دل زمین سر بر می‌آورد و خاطره‌ایثار یک انسان بزرگ را با رویش خود زنده نگاه می‌دارد.

نام این گیاه در اساطیر و در مراسم بازمانده از روزگاران کهن، که در پاسداشت نام و یاد سیاوش^۱ برگزار می‌شود، به چشم می‌خورد. ویژگی اصلی این گیاه، همان‌طور که اشاره شد، جاوید ساختن نام شهید است.

ویژگی‌های دیگر این گیاه، خواص طبی و دارویی آن است که شفابخش بیماری‌هاست و در کتب معروف پزشکی از آن یاد می‌شود. کاربرد دیگر آن در عرصه ادب فارسی است.

هدف از نگارش این مقاله، شفاف‌تر کردن ارزش‌ها و خواص این گیاه-چه از منظر طب و چه اساطیر- است که تنها در یک بیت از شاهنامه و ضمن حادثه‌ای گذرا از آن سخن به میان می‌آید.

کلیدواژه‌ها: خون سیاوشان، سیاوش، دم‌الاخوین، آیین سیاوشی

مقدمه

سیاوش، شاهزاده نجیب و برومند کیانی، که

است و تاکنون درباره آن به طور مستقل پژوهشی صورت نگرفته است.

گیاه خون سیاوشان

در معرفی گیاه معجزه‌آسای خون سیاوشان قبل از ورود به مبحث اصلی، بیان مفهوم شهید و ارتباط یک نماد برای ماندگاری نام شهید ضروری به نظر می‌رسد.

شهادت بزرگ‌ترین نیرویی است که توده انسانی را بیدار و هشیار می‌سازد و با خاصیت شگفت خود در طول اعصار و قرون سبب برانگیختگی وجدان آدمیان می‌گردد. خون سرخ‌رنگ شهید در عروق تمام غیرتمندان جاری است و چه بسا قیام‌ها که در نتیجه همین جریان خون به ناحق ریخته شده شهید صورت گرفته است اما بر این قیام‌ها و خون خواهی‌ها، عاملی دیگر نیز تداوم بخش یاد شهید است و آن به تعبیر اسلامی ندوشن، رویش «درخت یاد» است؛ درخت یا گیاهی که از خون شهید می‌روید. خون سیاوشان در حقیقت مظهر چنین یادکردی است که با رویش آن، نام و یاد سیاوش در اذهان جاودان می‌شود و اما چگونگی رویش آن.

در «شاهنامه» فرزانه توس آمده که این گیاه، زمانی سر از خاک تیره بیرون آورد که خون پاک‌ترین شاهزاده، سیاوش، بر زمین ریخت. **افراسیاب** تورانی به‌غم الطاف بی‌نهایتی که نسبت به شاهزاده محبوب و دلاور ایرانی نشان داد، بر اثر سعایت بددلان و حسودانی چون **گرسیوز** و **گروی** زره به یک باره تغییر شیوه داد و دمدمه افسون‌گرانه آن دو در ذهن بیمارش جای گرفت تا آنجا که چشم بر مردمی و مهمان‌نوازی بست و فرمان قتل سیاوش را صادر کرد. آن‌گاه **گرسیوز** و **دمور** و **گروی** زره شتابان برای اجرای فرمان شاه خیره سر تورانی، سیاوش را به بند کشیدند و او را دور از مردمان کشتند و خون پاکش را بر زمین ریختند:

به ساعت گیاهی برآمد ز خون
بدان جا که آن تشمت شد سرنگون
گیا را دهم من کنونت نشان
که خوانی همی خون اسیاوشان
بسی فایده خلق را هست از وی
که هست اصلش از خون آن ماهروی
(ج ۳: ۱۵۳ پاورقی، چ مسکو)

این گیاه برآمده از خون آن ماهروی که برای خلق فواید زیادی دارد، همان خون سیاوشان (=پرسیاوشان، دم‌الاخوین) است و نمایانگر این

حقیقت که خون مظلوم هیچ‌گاه پایمال ظلم ظالم نمی‌شود و به هدر نمی‌رود.

خون سیاوش در رگ‌های گیاهی جاری است که درمان بخش دردهای مردمان است و این نمودار رفعت و رأفت صاحب آن خون است که در قلمروی حقیر و تنگ مایه و در زمانی کوتاه نمی‌گنجد بلکه زمانی مدید و جایگاهی وسیع را می‌طلبد.

سیاوش نماد رحمت و عطف است و این گیاه، نماد مهر سیاوشی. او که برای حفظ پاک‌دامنی خود، از سرزمین نیاکانش چشم پوشید و ناخواسته به جبهه دشمن پناه آورد و بالاخره با دسیسه نابکاران از پا درآمد، می‌بایست چنین گیاه یادی داشته باشد تا پاکی و خوبی‌اش همگان را تحت تأثیر قرار دهد و نامش را تا ابد زنده نگاه دارد. این گیاه فراسوی به خوبی از پس خویش کاری بزرگ خود، یعنی حفظ نام شهید، برآمده است.

علاوه بر رویش گیاه خون سیاوشان، برای حفظ نام سیاوش علائم دیگری نیز در اساطیر آمده است: توفانی که هنگام قتل او برخاست و زمین و زمان را تیره ساخت و دیگر مراسمی که در پاسداشت خون او و به کین خواهی‌اش و نشانگر دوستداری او توسط ایرانیان است. «در روایات تاریخ بخارا است که زیادت از سه هزار سال است که اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سرودهای عجیب است که مطربان آن سرودها را کین سیاوش و **قولان گریستن مغان** گویند.» (کزازی، ۱۳۸۳: ۴۸۲)

و البته به یاد او قربانی نیز می‌کنند: «هر سالی، هر مردی یکی خروس آنجا بدو بکشد.» (رستگار فسایی، ۱۳۷۰: ۵۷۸-۵۷۷) علاوه بر سرودهای مطربان که به یاد سیاوش به **کین سیاوش** معروف است، بیست و هشتمین لحن باربد نیز کین سیاوش نام دارد.^۸ کار دیگری نیز که به مراسم یاد کرد سیاوش نسبت می‌دهند، رسم **حاجی فیروز** است. **ابوالقاسم اسماعیل پور** در این باره می‌نویسد:

«اگر بخواهیم آیین سیاوشی را ریشه‌یابی کنیم، به آیین دوموزی یا تموز بین‌النهرینی می‌رسیم... در این ایام آیین‌های شادی با صورتک‌های سیاه به راه می‌افتاد. ریشه‌شناسی واژه سیاوش هم می‌تواند تا حدودی این نکته را روشن کند. سیاوش در اصل، سیاورشن Siav_arshan از دو بخش «سیاو» (Siav) به معنی سیاه و «ارشن» (Arshan) به معنی مرد یا قهرمان است. پس سیاوش یعنی قهرمان سیاه. آیا سیاه کردن صورت یا پوشیدن صورتک‌های سیاه می‌تواند نماد

شهادت
بزرگ‌ترین نیرویی
است که توده
انسانی را بیدار و
هشیار می‌سازد
و با خاصیت
شگفت خود
در طول اعصار
و قرون سبب
برانگیختگی
وجدان آدمیان
می‌گردد



سیاوش باشد، یا نماد بازگشت از جهان مردگان؟ این البته برداشتی احتمالی است.» (اسماعیل پور، ۱۳۷۶: ۱۲۳-۱۲۲)

موارد فوق، مربوط به آیین‌های پاسداشت نام سیاوش بود. نکته قابل ذکر دیگر آوردن نمونه‌های دیگری از این گیاه یاد در اساطیر و ادیان است. یکی از نمونه‌های روبش گیاه در فرهنگ عامیانه ما، رویش گل محمدی است که بر طبق نظر عامه، از عرق روی پیامبر است که بر زمین چکید و سبز شد. (باحقی، ۱۳۶۹: ۲۶۴)

نمونه اساطیری این گونه گیاهان، درخت انار است که بر اساس اساطیر یونان از خون دیونیزوس (Dionysus) پسر زئوس روئید؛ آن گاه که به توطئه نامادری اش، ژونو (Juno)، قطعه‌قطعه شد. (باحقی، ۱۳۶۹: ۱۰۶)

یاد کرد نام شهید گاه به روش دیگری غیر از رویش گیاه یاد صورت می‌گیرد. در برخی موارد، این کلام است که به جای گیاه سیاوشی نام‌ها را زنده نگه می‌دارد. نمونه این کلام «انا الحق گفتن» منصور با تمام وجود بر سر دار است. (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۸۸)

اسطوره قابل ذکر دیگر **نارسیس** است. او که جوانی بسیار زیبا و فریبا بود، شیفته دلایلی و دلاوری و زیبایی خویش گشت. یک روز که در بیشه‌ای مشغول گشت و گذار بود به چشمه ساری رسید و خود را در آن چشمه دید و به اندازه‌ای بر روی زیبای خود، که در آینه چشمه منعکس شده بود، فریفته گشت که نتوانست از آن چشم بردارد. نارسیس خیره برعکس خود در میان آب‌های چشمه در کنار رود ماند و اندک اندک در مرغزار کنار چشمه ریشه دواند و به گیاهی دیگرگون شد که به نام وی، نارسیس یا نرگس می‌خوانند. (کزازی، ۱۳۸۳: ۴۸۰)

علاوه بر نارسیس در اساطیر یونان، در «ایلیاد» هم با **اژاکس**، پهلوان بزرگ یونانی، روبه‌رو می‌شویم که پس از شکست دادن آشیل و کشتن او، با اولیس بر سر ابزار و وسایل آشیل به گفت‌وگو و ستیز برمی‌خیزد و خدایان نیز طرف اولیس را می‌گیرند. اژاکس از فرط خشم و غضب، خنجر خود را در سینه روینش فرو می‌برد. از خون او که بر زمین ریخته شده، گلی ارغوانی می‌روید و این گل ارغوانی همان سنبل است. (کزازی، ۱۳۷۴: ۸۶)

در اساطیر چین باستان، شاهزاده‌ای است به نام **بین گیائو** که سرنوشتش از جهات متعدد شبیه سرنوشت و سرگذشت سیاوش است. او نیز، که شاهزاده‌ای نیک و هنرور است، تحت آزار

نامادری خود، **سوداگی**، و ناتوانی پدرش قرار می‌گیرد. او همچنین مانند سیاوش به دشمنان پدر می‌پیوندد و به دست آنان کشته می‌شود؛ به این شکل که او را تا گلوگاه در خاک مدفون می‌سازند و سپس گاوآهنی را بر سر او می‌رانند و او را به این شیوه فجیع می‌کشند. در حماسه چین نیز خون شاهزاده بی‌گناه سبب باروری گیاهان می‌شود. (کویاجی، ۱۳۷۹: ۱۰۵)

بعد از بیان اساطیر مربوط به گیاه یاد، به شاهنامه برمی‌گردیم. در این کتاب آمده است که علاوه بر آن گیاه، درختی نیز از خون سیاوش سبز شد. در قسمتی که **کیخسرو** به همراه **فرنگیس** و **پیران** به نزد **افراسیاب** می‌رود، در یکی از شهرستان‌های کنار راه به درختی فرخ می‌رسند که این ویژگی‌ها را داراست:

ز خاکی که خون سیاوش بخورد
به ابر اندر آمد یکی سبز نرد
نگاریده بر برگ‌ها چهر او
همی بوی مشک آمد از مهر او
به دی مه به سان بهاران بدی
پرستشگه سوگواران بدی
(ج ۳، ب ۲۶۵۲-۲۵۶۴، چ مسکو)

درختی سبز از خاکی سر به ابر ساییده که از خون سیاوش آبیاری شده است و ویژگی ممتاز آن نگارگری چهره سیاوش بر برگ‌های آن است و بوی مشک همواره از آن به مشام می‌رسد.^۷ این گونه نگارگری‌ها بر روی برگ درختان، هم در اساطیر ایرانی و هم در اساطیر دیگر ملل نمونه‌هایی دارد. در اساطیر ایران می‌توانیم درخت سرو کاشمر را به عنوان مثال بیاوریم؛ «و آن درختی بود شگفت و مینویی که زرتشت به دست خود در قریه کاشمر کاشت. به مرور این درخت، بلند و ستبر و پرشاخ شد و دیدن آن مایه حسرت بینندگان.» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۳۸۶)

در شاهنامه نیز آمده است که **زرتشت** این سرو آزاده بهشتی را در کنار آتشکده آذر بُرزین مهر می‌کارد و با رشد آن، گشتاسب، گرداگرد آن تالاری عظیم بنا می‌نهد. بر روی برگ‌های این درخت مینوی نام **گشتاسب** به عنوان پذیرنده دین بهی درج شده است.^۷

نمونه دیگر آن در اساطیر ملل، مربوط به اساطیر مصری است و درختی به نام «پرسیه» در معبد «هلیوپولیس» که نام پادشاهان مصری بر آن نوشته شده است. (کویاجی، ۱۳۷۹: ۲۸)

دنباله مطلب در وبگاه نشریه